

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

مشک تر

(از خاطرات گذشته)

شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
شگفته خنده کنان چون سپیده سحری
نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
ز خویش بی خبرم کرد، وه چه بی خبری
منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
نداشت در دل سنگش، نیاز من اثری
سریست بین من و یار، اگر سرم برود
سرخن نگذارم به هیچ خیره سری
حکایت لب لعلش اگر ز من پرسی
عقیق احمر جانپور است، یا شکری
تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
که گر به شعله نشینم، نمی کند نظری
رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
خری به عیسی مریم شده ست همسفری
نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
کنم گذر به ره و رسم دلبر دگری
رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
عجب مکن که به شهر اوفتاده شور و شری
بیا وگر نه چنان از تو دور خواهم رفت
که تا به حشر نیابی دگر ز من اثری

بنازم آن پدري را كه چون تواش پسر است خوش آن پسر كه برد فيض آنچنان پدري

به شُكر نعمت يك خنده، شُكر افشاندی

«اسير» اين سخت نيست كمتر از شكري

(شهر نازنين كابل - قوس ۱۳۳۷ ش)